سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. «شبهه» پرسشی است که مراحل تکوین علمی خود را نپیموده است. لذا مانند فرزندی ناقص الخلقه که مولود ذهنی ضعیف باشد، پای به دنیای اندیشه می‌نهد و غالباً راهی برای رسیدن به کمال و پاسخ مناسب نمی‌یابد.

پرسشگر با صبر و حوصله و متانت، در پی پاسخ راه اندیشه و دانش را می‌پیماید و تا زمان رسیدن به پاسخ، خردمندانه سکوت می‌کند. ولی فرد شبهه‌دار یا شبهه افکن، بر اساس علم ناقص در همه جا سخن می‌راند و هر جا جمعی را در پی خود می‌کشاند.

۲. این گونه «پرسش‌های خام و درنگ‌های ناتمام» در حیطهٔ مسائل دینی بیشتر روی می‌دهد تا علوم دیگر. زیرا: اولاً تمام مردم با دین – به هر تفسیری که از آن داشته باشند– پیوندی درونی دارند. ثانیاً تفسیرهای مختلف از دین زمینهٔ تردید ناپیگیر را فراهم می‌آورد که کار را به شبهه می‌کشاند. ثالثاً همگان در می‌یابند که آنچه بر تمام جهت گیری‌هایشان در تمام زمینه‌ها اثر می‌گذارد، دین است، به هر تفسیری که فرد دیندار از آن دارد.

۳. در باب شبهات، پژوهش بلکه پژوهش‌های کمی و کیفیِ در خور (توصیفی و تحلیلی) ضرورت دارد که به شیوهٔ علمی نشان دهد در زمینهٔ کدام مبحث دینی شبهات بیشتر است. نیز از این زاویه که در کدام موضوع، شبهات ژرف‌تر و ماندگارتر است. گستردگی جغرافیایی شبهات، پیشینه و سیر تحوّل زمانی آنها، تنوّع زمانی آنها و ... نیز شاخص‌های دیگری تواند بود که ارزش بررسی دارند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.52.2.3]

افزون بر این موارد، مرزبندی روشن میان شبهه‌ها و پرسش‌ها، کاری سنگین ولی ضروری است که زیر بنای حرکت فرهنگی – دینیِ استوار و دراز مدّت در حوزه‌های مختلف خواهد بود.

گزارش دقیق علمی و تصمیم‌گیری درست در مورد شبهات، موکول به چنین پژوهشی بلکه چنین پژوهش‌هایی جامع است.

۴. نگارنده سطور، از وجود چنین پژوهشی بی‌خبر است. ولی با نگاهی نه چندان علمی، می‌توان یافت که شبهات مربوط به مبحث عدل، از دیر زمان در میان سطوح مختلف مردم – از عالم و عامی– رواج بسیار داشته و دارد.

این گونه شبهات در طول زمان و در گسترهٔ مکان دیده می‌شود، با پرسش‌های مربوط به این بحث، سخت در آمیخته و با ذهن و درون انسانها به گونه‌ای گسترده در آویخته است.

۵. خاستگاه این گروه از شبهات کجاست؟ این پرسش کوتاه و راهبردی خود موضوع پژوهشی جدّی تواند بود. ولی نگارنده با بضاعت اندک و فرصت محدود خود، به یک عامل (بیانهای شاعرانه در چنین مبحث دقیق علمی و عملی) در سرمقاله سفینه شماره ۵۰ اشاره کرد که نیازی به تکرار نمی‌بیند.

۶. عامل دیگری که به این قضیه دامن می‌زند، «ترجمه»های متون دینی و نصوص وحیانی – یعنی قرآن و حدیث– است. پیش از ادامهٔ بحث، به این نکتهٔ مهم تذکر می‌دهد که خوشبختانه در افق اندیشهٔ شیعی بیشترین دقت و حفاظت به کار رفته تا متنی صحیح و به دور از تصرف به زبان اصلی– عربی– به دست ما برسد. کارنامهٔ دانشوران شیعی در این زمینه – به دور از هر گونه تعصّب، و با مبنای علمی محض– به راستی ستودنی است.

۷. به هر حال، ارتباط با مخاطبان این پیامها به زبانهای مختلف، ترجمهٔ آنها را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.52.2.3]

ضروری می‌سازد. در اینجاست که باب ترجمه و توضیح گشوده می‌شود که خود نوعی تفسیر است. بایسته‌ها و نبایسته‌های ترجمه در جای خود گفته شده، ولی این نکات در باب ترجمه‌های متون دینی به ویژه نصوص وحیانی کمتر بحث شده است. اگر ترجمه مطابق با این شاخص‌ها پیش نرود، باید منتظر خطاهایی در عرصهٔ عرضهٔ حقایق مکتب وحی باشیم که گاه به فاجعه می‌کشد. اساساً یکی از ابواب مهم تحریف متون دینی به ویژه کتابهای آسمانی، از همین جا گشوده می‌شود. برای اینکه بحث، از جنبه‌های کلی و نظری محض، به موارد جزئی و کاربردی برسد، چند نمونه از این بحث در سطور آینده بیان می‌شود.

۸. در فضای مباحث توحیدی، کلماتی همچون: مشیت، اراده، قضا، رضا، اذن و مانند آنها، همه در فارسی، به عنوان «خواست خدا» ترجمه می‌شود، و دقتی که در تفاوت میان آنها به کار رفته، در این ترجمه نادیده گرفته می‌شود. بدین سان، در درون تمام اینها، نوعی رضای الهی فهمیده می‌شود، در حالی که برخی از این کلمات، فقط به معنای اِعمال قدرت خداوند در امور است، که: «لا یمکن الفرار من حکومتک»، نه بدان معنی که از آنها رضایت داشته باشد.

سوگمندانه، با چنین ترجمه‌های غلط، زمینه ساز سوءتفاهم در ذهن خوانندگان و مخاطبان –از خواص و فرهیختگان تا عموم مردم– می‌شویم، آنگاه باید امکانات محدود خود را برای پاسخگویی به شبهه‌های خودساخته بسیج کنیم. در حالی که اگر خودمان شبهه‌زایی نکرده بودیم، نیازی به شبهه‌زدایی – دست کم از این ناحیه– نداشتیم. اکنون نیز راه شیهه‌زدایی از همان جا آغاز می‌شود که شبهه‌سازی آغاز شده بود: تبیین دقیق حدود و معانی مفاهیم و کلمات کلیدی.

۹. نمونهٔ دیگر: در برابر خدای متعال، کلماتی همچون: خوف، خشیت، رهبت و مانند آنها، همه به یک صورت ترجمه می‌شود: «ترس از خدا». در اینجا دو

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.52.2.3]

خطای بزرگ روی داده: یکی مترادف انگاری این کلمات، دیگر برگردان ناروای آنها به یک نامعادل فارسی که نه تنها هرگز عمق و دقت آن کلمات متفاوت را نمی‌رساند، بلکه این گونه برگردان خود بدفهمی‌هایی را پدید می‌آورد که پرسش‌های گزنده و دین گریزی‌های زشت را در پی دارد.

مثلاً واژهٔ خوف، متضادّ امن است و معنای دقیق آن، «ناامنی» است که ممکن است برای اشجع شجاعان پیش آید و هرگز مترادف با ترس نیست، لذا نیازی نیست که آن را به ترس ممدوح و مذموم تقسیم کنیم و آنگاه بحث را بدین منوال ادامه دهیم. خوف خدا به این معنای درست، پیوند روشنی با معنای عدل الهی دارد، چنانکه «رجاء» پیوندی استوار با فضل الهی دارد. ترسیم شبکه‌های معنایی صحیح میان این گروه‌های واژگانی، خود سبب پیشگیری از بروز شبهات فزاینده می‌شود، امکانی که شوربختانه از آن غفلت می‌ورزیم.

۱۰. در برخی موارد، ترجمهٔ یک مترجم، مبتنی بر شرح خاصّی از آیه یا حدیث است. تا اینجای کار را نمی‌توان ناپسند دانست، چرا که هر کسی برای درک و دریافت مطلبی باید از کارهای پیشین بهره گیرد، البته به شرط استفاده از منابع معتبر، با شروطی که در جای خود گفته می‌شود. ولی مترجم وظیفه دارد خاستگاه و مبنای ترجمه‌اش را آشکارا بگوید تا راه را برای ناقدان هموار کند. در واقع هر ترجمه میوه‌ای است از یک درخت که ریشهٔ آن سخن و دیدگاه شارح خاصّی است. و اگر ریشهٔ درخت شناخته نشود، نمی‌توان ترجمه را بازنگری کرد، یعنی راه بر بهینه‌سازی ترجمه‌ها بسته می‌شود.

۱۱. گاهی «ساده نگاری» را برای چنین فرآیندهایی بهانه می‌کنند، در حالی که آن را به شیوهٔ «ساده انگاری» پیش می‌برند. اما در واقع چنین نیست. ساده نگاری فرآیندی پیچیده و پر زحمت است و پیش نیازهای دشوار دارد که «ساده انگار»ها

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.52.2.3]

همه را نادیده می‌گیرند و خود را «ساده نگار» می‌پندارند، آنگاه امر را بر دیگران مشتبه می‌کنند.

گاهی نیز «تعدّد ترجمه» را ضرورتی گریزناپذیر می‌دانند برای اینکه ترجمه بهتر ارائه کنند، ولی پس از بررسی دقیق و نقّادی ژرف، روشن می‌شود که «تعدّد ترجمه» نه تنها به «تعهّد ترجمه» کمکی نکرده، بلکه «آنچنان را آنچنان تر کرده است».

خروجیِ این آشفته بازار، افزونیِ شبهات است در نسلی که جز ترجمه‌های سست و نادرست، پناهگاه علمی ندارد.

۱۲. آنچه بیان شد، عمدتاً ناظر به ترجمه‌های فارسی است، یعنی زبانی که قرابت زیادی با عربی – زبان اصلی نصوص وحیانی– دارد، افزون بر دانشوران نقّاد که با هر دو زبان و هم با موضوع آشنایند. در این میان، برخی از آنان که بر این همه تسلّط دارند، در میان ما کم نیستند. اینان با نقدهای کتبی و شفاهی خود تذکراتی بجا می‌دهند، و حتی نشریاتی ویژهٔ این موضوع سامان داده‌اند.

اما آنجا که پای زبانهای دیگر به میان می‌آید، دانشوران آشنا به هر دو زبان که با موضوع نیز آشنا باشند، اندک شمار می‌شود، چه رسد به افراد مسلّط. آنگاه حق پژوهان منصفی که حقایق شیعی را از دریچهٔ این ترجمه‌ها می‌نگرند، به چه تصوّراتی می‌رسند؟ خدا می‌داند.

۱۳. به سخن خود باز آییم. «عدل الهی» مقوله‌ای است پیچیده، مانند درختی کهن سال و پر از شاخه و میوه. زیرا تبیین رابطهٔ افعال انسان با خدایش را عهده‌دار است. به همین دلیل، مورد علاقهٔ تمام انسانها است، از عالم و عامی و کوچک و بزرگ. بیشتر انسانها پاسخ به پرسش‌های گستردهٔ خود را در نصوص وحیانی می‌جویند. پس راویان، مفسّران، شارحان و مترجمان این نصوص، مسئولیتی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.52.2.3]

بسیار سنگین دارند. هر چه ارتباطات جهانی بیشتر می‌شود، این میدان گسترده‌تر می‌شود، بار این مسئولیت سنگین‌تر، و بایسته‌های یادشده ضروری‌تر.

۱۴. در کنار این هشدارها، جای آن دارد که از ترجمه‌ها و شرح‌های فاخر، استوار، دقیق و مسئولیت‌پذیر یاد شود که – بدون اشاره به شبهه و جواب – عملاً به شبهات پاسخ می‌گویند، بلکه با بیان درست، از شبهه پیشگیری می‌کنند. یعنی خواننده یا شنونده با خواندن یا شنیدن آن، فطری بودن کلام را در می‌یابد و به خوبی حسّ می‌کند که چگونه بر دل می‌نشیند و آتش طلب درون را به آب فطرت فرو می‌نشاند.

این گونه گامهای استوار، جلوه‌ای از عنایت امام امم و موعود ادیان است که همچون خورشید پشت ابر، راه می‌نماید، راهنوردان مخلص را می‌نوازد و دست حمایت بر سر آنها می‌کشد. هر کس خالصانه گام در راه نهاده، این دست عنایت را به دیدهٔ دل دیده و ندای رحمت حضرتش را به گوش جان شنیده است.

دست‌اندرکاران سفینه نیز، چشم دارند که در این قافلهٔ نور، جایی داشته باشند، بدین روی کوشیده‌اند مجموعه‌ای فراهم آورند که یادآور آن گامهای مخلصانه باشد؛ بدان امید که در صفّ النعال عنایت شدگان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه جای گیرند و گامی خرد در راه تقرّب به حضرتش بردارند.

همراهی همراهان مخلص، امروز همچون دیروز و فردا، سرمایهٔ جاودانهٔ ما تواند بود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.52.2.3]